درس 41

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
ارميا
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد چه آموخته‌ايد (ارميا 25، 29، 30، 31)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 بخاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: منابع الهي
مرور: دو به دو مرور كنيد: منابع الهي: شفاي الهي: دوم تواريخ 7:14

4 تعليم (90 دقيقه)
كارگران تاكستان
مثل كارگران تاكستان در متي 20:1ـ16 مثلي است دربارة «پاداش در ملكوت خدا».
مَثَل «داستاني است زميني با معنايي آسماني»؛ يا «توضيحي است مبتني بر امور واقعي زندگي به‌منظور تعليم حقيقتي روحاني.» عيسي از وقايع عادي و روزمره زندگي انسان استفاده مي‌كرد تا اسرار ملكوت خدا را روشن سازد و مردم را با واقعيت وضعيتشان و نيازشان به احيا روبرو سازد.
اين مثل را با استفاده از شش رهنمود مربوط به مطالعة مثل‌ها (ر.ش. ضميمه 1) بررسي خواهيم كرد.

قرائت: متي 20:1ـ16.

1- درك داستان طبيعيِ مَثَل
مقدمه: مَثَل‌ها با زبان مجازي بيان شده‌اند تا مفهومي روحاني را تشريح كنند. از اين رو، نخست به بررسي واژگان و پيشينة فرهنگي و تاريخي داستان مي‌پردازيم.
بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟
يادداشتها:

الف) صاحب خانه احتمالاً صاحب يك مِلك است كه شامل يك خانه و يك تاكستان بزرگ مي‌باشد.

ب) كارگران روزمزد. در فصل درو، معمولاً كارگران بر اساس كار روزانه به‌كار گرفته مي‌شدند. آنان در بازار اجتماع مي‌كردند و كارفرمايان براي به‌كار گماردن آنان به آنجا مي‌آمدند. يك روز كامل كار شامل دوازده ساعت كار از طلوع تا غروب آفتاب بود. در پايان هر روز، مزدشان پرداخت مي‌گرديد (لاويان 19:13).

ج) قرارداد. اولين دستة كارگران با صاحب ملك قرار گذاشتند كه براي يك دينار كار كنند. يك دينار، مزد يك روز كامل كار در آن زمان بود. كارگران بعدي نمي‌توانستند چنين قراردادي ببندند، زيرا فقط براي قسمتي از روز كار مي‌كردند. هر چند صاحب ملك به آنان قول داد كه حقشان را به آنان خواهد داد.

د) پرداخت مزد. در پايان دوازده ساعت كار روزانه، كارگران معمولاً يك دينار دريافت مي‌كردند. در اين داستان، اولين دستة كارگران مبلغي را كه براي كار كردن توافق كرده بودند دريافت كردند. بااينحال، صاحب ملك بيش از آنچه كه كارگران انتظار داشتند انجام داد. او ابتدا، كار پرداخت دستمزد را از كارگران آخرين شروع كرد. و به كارگران آخري، به اندازه كارگران اولي دستمزد پرداخت.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيينِ عناصر آن
مقدمه: چارچوب شامل «زمينة» مَثَل و «توضيح يا كاربردِ» آن مي‌گردد. زمينة مثل ممكن است بيانگر اين نكته باشد كه مثل به چه مناسبتي گفته شده، يا اينكه شرايط به‌هنگام گفته شدن آن به چه صورت بوده است. زمينه معمولاً قبل از مثل يافت مي‌شود و توضيح يا كاربرد، بعد از مثل.

کشف و بحث: زمینه، داستان، و توضیح یا کاربرد مَثَل چیست؟
یادداشتها:

الف) زمينه مثل در متي 19:16ـ30 يافت مي‌شود. دو نكته به ما نشان مي‌دهد كه زمينه اين مَثَل چيست. كلمه آغازين «زيرا» نشان مي‌دهد كه مَثَل با مطالب قبلي ارتباط داده شده است. نتيجه مَثَل، با نتيجه قسمت قبلي يكي مي‌باشد، «بنابراين اولين آخرين و آخرين اولين خواهند شد.»

1- خطر وارد نشدن به ملكوت خدا. متي 19:16ـ26 ماجراي مرد جواني را توصيف مي‌كند كه بسيار ثروتمند بود، اما به اين حقيقت پي برده بود كه هنوز حيات جاوداني (نجات) را كسب نكرده است. او در جستجوي كسب نجات بود، اما جستجوي خود را به‌طريقي اشتباه انجام مي‌داد. فكر مي‌كرد كه بايد نجات را از طريق انجام اعمال شريعت بدست آورد (متي 19:16 و 20). عيسي احكام را از لوح دوم ده فرمان بازگو كرد. نيازي نبود كه دستورات لوح اول را نقل كند، چرا كه شكست در حفظ احكام لوح دوم، به معني شكست در حفظ احكام لوح اول نيز مي‌باشد (اول يوحنا 4:20)
عكس العمل مرد جوان ثروتمند، نشان مي‌دهد كه طرز برخوردش در مورد احكام خدا نسبت به تفسير عميق روحاني مسيح از آنها، بسيار سطحي بود (متي 5:21ـ48). عيسي پاسخ داد: «اگر بخواهي كامل شوي، رفته مايملك خود را بفروش و به فقرا بده كه در آسمان گنجي خواهي داشت؛ و آمده مرا متابعت نما». عيسي از جوان ثروتمند دعوت نكرد كه با انجام دادن يك كار خوب نجات را كسب كند! او جوان ثروتمند را در زمينه اعتماد كامل مورد آزمايش قرار داد، اعتمادي كه در اطاعت از او تجلي مي‌يافت. بدون اعتماد كامل به عيسي مسيح كه در تسليم خويشتن به او و اطاعت از متجلي مي‌گردد، از اين جوان ثروتمند نمي‌شد انتظار داشت كه برود و همه مايملك خود را بفروشد. عيسي مي‌دانست كه جان او به ثروتش بسته است. اگر اين جوان ثروتمند مي‌خواست كامل يا بالغ باشد، بايد به عيسي مسيح اعتماد كامل مي‌كرد و آنچه را كه مي‌گفت، انجام مي‌داد. بنابراين او بايد مي‌رفت و مايملك خود را مي‌فروخت، يعني آنچه را كه مانع مي‌شد كه شاگرد عيسي گردد، و سپس مي‌آمد و عيسي را همچون يك شاگرد متابعت مي‌كرد. او با پيروي از عيسي، مي‌توانست در مورد انكار خويش، و برداشتن هر روزة صليب خود، و شاهد بودن براي او بسيار چيزها بياموزد. بدون ايمان يا اعتماد به عيسي مسيح كه در تسليم خويشتن به او و اطاعت از او تجلي مي‌يابد، هيچ كس نمي‌تواند نجات بيابد.
عيسي براي هر شخصي كه مي‌خواهد مسيحي گردد، اين آزمايش را مقرر نكرد كه تمام مايملكش را بفروشد. عيسي براي تك‌تك فرزندانش آزمايش خاصي قرار نمي‌دهد. ايوب، ابراهيم، يعقوب و يوسف در عهدعتيق، و زكي و يوسف رامه‌اي در عهدجديد، مردماني با داراييهاي بسيار بودند و از آنان خواسته نشد كه بروند و داراييهاي خود را بفروشند! به‌علاوه ابراهيم و همه اين اشخاص ثروتمند، نه با انجام اعمال خوب بلكه فقط از طريق ايمان نجات يافتند (عادل شمرده شدند) (پيدايش 15:6؛ روميان 3:ـ 28) و آنان با زندگي خود نشان دادند كه ايمانشان حقيقي و زنده است (عبرانيان 11:1ـ40، يعقوب 2:21ـ23).

2- دشوار بودنِ ورود به ملكوت خدا. جوان ثروتمند انتخاب كرد كه ثروت و دارايي خود را حفظ كند، از اينرو از عيسي مسيح روي برگردانيد. عيسي فرمود: «گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است از دخول شخص دولتمند در ملكوت خدا». منظور عيسي همان چيزي بود كه گفت و اعلان كرد كه براي شخص ثروتمند وارد شدن به ملكوت مطلقاً غيرممكن است! ثروت و دارايي و پول و امور وابسته به آن يعني موفقيت و قدرت و شهرت چنان نيرويي در قلب و فكر و زندگي انسان پديد مي‌آورد كه نمي‌توانند خود را از آن رهايي بخشند. اين امور باعث فريب اشخاص ثروتمند و قدرتمند و مشهور مي‌گردد و مانع مي‌شود كه ايشان طرز فكر و نگرش لازم براي ورود به ملكوت خدا را كسب كنند (متي 6:24؛ اول تيموتاؤس 6:9ـ10). عيسي در سخنان خود از كلمات قاطع و مطلق استفاده كرد تا در ذهن شاگردانش حك كند كه نجات از آغاز تا انتهاي آن دست‌آوردي انساني نيست. شاگردان مسيح عميقاً تكان خوردند و پرسيدند: «پس كه مي‌تواند نجات يابد؟» احتمالاً شاگردان اين استدلال را كردند كه چون فقرا هم مي‌خواهند ثروتمند شوند، بنابراين ايشان نيز نمي‌توانند وارد ملكوت خدا گردند.
عيسي پاسخ داد: «نزد انسان اين محال است، ليكن نزد خدا همه چيز ممكن است.» هر انساني، چه ثروتمند و چه فقير، براي نجات كاملاً به خدا وابسته است. هيچكس نمي‌تواند از خودش كاري براي نجات خويش انجام دهد. شخص فقط به‌واسطه كار روح‌القدس از بالا تولد تازه پيدا مي‌كند (يوحنا 3:3ـ8) و نجات مي‌يابد. حتي ايماني را كه بايد به‌كار بگيرد، خدا به او عطا مي‌كند (افسسيان 2: 8؛ فيلپيان 1:29). بنابراين بطور خلاصه عيسي مسيح تعليم مي‌دهد كه بشر با سعي و تلاش خود نجات نمي‌يابد، بلكه تنها بوسيله محبت و فيض خدا (يوحنا 6:44).

3- پاداش براي خدمت فداكارانه در ملكوت خدا. پطرس گفت كه او و ساير شاگردان همه چيز را ترك كرده و مسيح را پيروي كرده‌اند. و سؤال كرد كه چه چيزي دريافت خواهند نمود. از يك طرف، پطرس و ساير شاگردان در واقع آنچه را كه مسيح از مرد جوان خواسته بود، انجام داده بودند. از طرف ديگر عيسي فرمود كه انسانها براي نجات خود، هيچ كاري نمي‌توانند انجام دهند. فقط خداست كه نجات را عطا مي‌فرمايد.

عيسي به شاگردانش پاسخ بسيار اطمينان‌بخشي داد. به‌هنگام بازگشت عيسي مسيح، زماني كه همه چيز نو شود، خدا هم به رسولان و هم به ساير فرزندانش پاداش خواهد داد. به‌علاوه كساني كه بخاطر عيسي مسيح فداكاري كرده‌اند، خيلي بيشتر از چيزي كه از دست داده‌اند دريافت خواهند داشت. آنان در همان حال كه هنوز در اين دنيا هستند، باوجود جفاها و مشكلاتي كه بخاطر مسيح مي‌بايد متحمل شوند، از داراييهاي مادي و دوستاني بهره‌مند خواهند شد كه بسيار بيشتر از چيزي خواهد بود كه مردم بي‌ايمان دارند. و در آينده وارث ملكوت خدا در شكل نهايي‌اش، يعني آسمان جديد و زمين جديد خواهند گرديد (مرقس 10:29ـ30).

4- هشدار در مورد اولين و آخرين. خدا به انسان و موفقيت‌ها و لياقت‌هاي او آنطور نگاه نمي‌كند كه انسانها مي‌كنند. اول سموئيل 16:7 مي‌فرمايد: «چون خداوند مثل انسان نمي‌نگرد زيرا كه انسان به ظاهر مي‌نگرد و خدا به دل مي‌نگرد» (اول قرنتيان 4:5). بطور كلي افرادي كه اولين هستند كساني مي‌باشند كه بخاطر ثروت و تحصيلات و موقعيت و موفقيت و پيشرفتها و اعتبارشان، نزد مردم بسيار مورد احترام مي‌باشند و حتي بعضي اوقات نزد مسيحيان نيز. اما چون خدا به دل مي‌نگرد، بسياري از اين افراد در موقعيتي عقب‌تر از ديگران در ملكوت خدا قرار داده خواهند شد، و حتي بعضي از ايشان از ملكوت خدا محروم خواهند گرديد (متي 7:21ــ23). افرادي كه اولين هستند، امكان دارد مسيحياني باشند كه از جواني به مسيح ايمان داشته و در تمام زندگي خود به او خدمت كرده‌اند. ايشان بجاي اينكه اين را امتيازي بزرگ به‌حساب آورند، آن را به حساب شايستگي خود مي‌گذارند كه خدا بخاطر آن به آنان پاداش خواهد داد.
افرادي كه آخرين هستند، شايد افرادي باشند كه ديرتر توبه كرده‌اند، نظير زكي، تاجري حسابگر و باجگير (لوقا 19:1ـ10) و يا خطاكار و قاتلي كه با مسيح مصلوب گرديد. (لوقا 23:39ــ43). بسياري از كساني كه در كليسا مهم به‌شمار مي‌آيند، آخرين خواهند بود و بسياري از كساني كه كاملاً در زمين ناشناخته هستند، اولين خواهند شد. افرداي نظير بيوه‌زن فقير كه هر آنچه داشت، تقديم كرد (مرقس 12:41ـ44)، يا مريم بيت‌عنيا كه عمل محبت‌آميزش نسبت به عيسي از سوي شاگردان مورد سرزنش قرار گرفت (متي 26: 8)، يا فرزندان بسياري در دنيا كه اعتماد خود را بر عيسي مسيح قرار داده‌اند، در حاليكه شاگردان در مورد مقامشان به مشاجره مي‌پرداختند (متي 18:ـ 1ــ4؛ـ 20:20ــ28). بنابراين عيسي به شاگردانش و همه مسيحيان هشدار داد كه از روحي كه آرزوي اولين بودن را دارد بر حذر باشند.
مَثَل كارگران تاكستان اين اصل را روشن مي‌سازد كه اولين آخرين خواهد شد و آخرين اولين. وقتي عيسي مي‌فرمايد كه «ملكوت آسمان صاحب‌خانه‌اي را ماند...»، قصد دارد به ما بگويد زماني كه سلطنت خدا در شكل نهايي‌اش در روز داوري آشكار شود، چه اتفاقي خواهد افتاد.

ب) داستان مَثَل در متي 20:1ـ15 يافت مي‌شود.

ج) توضيح يا كاربرد مثل در متي 20:16 يافت مي‌شود. عيسي از اين مثل همانند متي 19:16ـ30 نتيجه‌گيري مي‌كند، «بنابراين اولين آخرين، و آخرين اولين خواهند شد». عيسي به شاگردانش و همه مسيحيان هشدار مي‌دهد كه در زمره اولين‌هايي نباشند كه آخرين خواهند شد!
در مورد كساني كه خود را اولين تلقي مي‌كنند، مي‌توان به سه نكته اشاره كرد.

1- افرادي كه به‌عنوان «اولين» مورد احترام قرار مي‌گيرند، فكر مي‌كنند كه بايد براي كارهايي كه انجام داده‌اند، پاداش بگيرند! پطرس مشتاق بود بداند كه او و ساير شاگردان كه همه چيز را ترك كرده و عيسي را متابعت كرده بودند، چه بدست خواهند آورد. عيسي قول داد كه آنان بخاطر اعتماد و اطاعتشان پاداش عظيمي خواهند يافت. اما به آنان هشدار داد كه در امور روحاني مواظب باشند كه دچار روحيه كار در مقابل مزد نگردند! آنان نجات خود را به‌عنوان يك بخشش بزرگوارانه از خدا دريافت مي‌كنند، نه چيزي كه خود آن را كسب كرده‌اند! بنابراني حتي پاداش الهي مشابه پاداش انسانها در اين جهان نيست. پاداش الهي تجلي محبت و فيض او نسبت به انسان است كه هيچكس لياقتش را ندارد و هرگز براي جبران كار انجام شده نمي‌باشد!

2- افرادي كه «اولين» تلقي مي‌گردند، فكر مي‌كنند كه بايد به تناسب كاري كه انجام داده‌اند، پاداش بگيرند. آنان نتوانسته‌اند تشخيص دهند كه خدا پادشاه و سلطان است و تنها وجودي است كه حق دارد رحمت خود را آنطور كه مي‌خواهد به مردم عطا كند. خدا اين حق را دارد كه به شخصي كه فقط در روز آخر زندگي‌اش مسيحي بوده، همان لطف و محبتي را بنمايد كه به شخصي كه در تمام طول زندگي خود مسيحي بوده است. هيچ انساني نمي‌تواند از خدا انتقاد كند، چرا كه همه با فيض خدا نجات مي‌يابند، نه به دليل اعمال يا ميزان سرسپردگي يا فداكاري‌شان! بنابراين اين مثل تعليم مي‌دهد كه هيچ شخصي مستحق گرفتن چيزي از خدا نمي‌باشد، حتي نجات، چه برسد به پاداش؛ اين مثل همچنين بر آزادي و حاكميت خدا براي دادن پاداش صرفاً بر اساس فيض تأكيد مي‌كند.
3) افرادي كه «اولين» به‌حساب مي‌آيند، فكر مي‌كنند افراد ديگر نبايد براي كاري كه انجام نداده‌اند پاداش بگيرند. آنان اغلب نسبت به افراد حقير و ناشناخته حسادت مي‌ورزند، افرادي كه از خدا حرمت

بيشتري دريافت كرده‌اند تا كساني كه در تمام طول زندگي خود به سختي براي خدا كار كرده‌اند! بنابراين، اين مثل به مسيحيان تعليم مي‌دهد كه از غرور نسبت به اعمال خويش خودداري كنند.

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل
مقدمه: قصد عيسي اين نبود كه تمامي جزئياتِ مَثَل‌هايش داراي مفهوم روحاني باشند. جزئياتِ مربوط يا اصلي در داستانِ مثل آن دسته از جزئيات هستند كه درس اصلي مثل را اسـتحكام مي‌بخشـند. بنـابراين، نبايد براي هر يكَ از جزئيات مثل، معناي روحانيِ مستقلي قائل شَويم.
كشف و بحث: كداميك از جزئياتِ اين مَثَل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند؟
يادداشتها:

الف) تمثيلي كردن
اين مثل اغلب به دليل تفسير تمثيلي، بطور نادرسـت به‌كـار بـرده شـده اسـت. بعضـي از مفسـران، اگرچه تعاليم بسيار ارزشمند ديگري نوشته‌اند، يك معناي تمثيلي از اين مثل مطرح كرده‌اند كـه نمي‌توانـد از آن استنباط شود و در نتيجه بايد آن را رد كرد:
1- ايرنيوس (130ـ200 م.) مثل را به اين صورت تفسير مي‌كنـد: صـاحب‌خانه، مظهـر خـدا اسـت. كارگراني كه در زمانهاي مختلف به‌كار گرفته شدند، بيانگر انسانها در آفرينش، انسانها بعـد از آفـرينش، و انسانها در زمان آخر مي‌باشند.
2- اوريجن (185ـ254 م.) مَثل را به اين صـورت تفسـير مي‌كنـد: صـاحب‌خانه، مظهـر خـدا اسـت. كارگران نوبت اول، به نسل انسان را از پيدايش تا نوح اشاره مي‌كند. كارگرانِ نوبت دوم، به نسل انسان از نوح تا ابراهيم اشاره مي‌كند. كارگران نوبت سوم نسل انسان را از ابراهيم تا موسـي نشـان مي‌دهـد. كارگران نوبت چهارم به نسل انسان را از موسـي تـا يوشـع اشـاره دارد. كـارگرانِ نـوبت پنجم بـه نسـل انسان از يوشع تا عيسي دلالت دارد . دينار، بيان كنندة نجات است.
3- گريگوري كبير (540 ـ 604 م.) مثل را اين گونه تفسير مي‌كند: تاكستان، مظهر كليسـا از زمـان پيدايش تا بازگشت مسيح است. صاحب‌خانه، مظهر خدا است. كارگران، معلماني هستند كه به مسيحيان در كليسا در دوره‌هاي مختلف زماني تعليم مي‌دهند : از آدم تا نوح، از نوح تا ابراهيم، از ابراهيم تا موسي، از موسي تا مسيح. كارگران ساعت اول، سوم، ششم و نهم، مردم عبراني را نشان مي‌دهـد كـه خـدا را مورد جلال و احترام قرار مي‌دادند و براي كشت تاكستان از آغاز دنيا ثابت قدم بودند. ساعت يازدهم، بـه دورة زماني بين ظهور مسيح و بازگشت وي اشاره دارد. كارگران ساعت يازدهم، مظهر رسـولان، يـا بـه تفسيري ديگـر، مظهـر امتهـا مي‌باشـد. يـا زمانهـاي مختلف، مراحـل مختلـف زنـدگي شخصـي، كـودكي، نوجواني، جواني، ميانسالي، بزرگسالي و پيري را نشان مي‌دهد.
4- لنسكي مثل را به اين صورت تفسـير مي‌كنـد. كارفرمـا مظهـر مسـيح اسـت. دينـار نمـاد بركـات زودگذر است. كارگراني كه در آخر به كار گمارده شدند، مظهر بيكاران نابخشوده است.
5- تفاسير ديگري كه بايد رد كرد:
يهوديان و امتها. «كساني كه اول فرا خوانده شدند» مظهـر يهوديـان اسـت و «كسـاني كـه آخـر فـرا خوانده شدند» امتها مي‌باشند. چيزي در اين متن وجود ندارد كه حاكي از اين امر باشد.
روابط كارفرمـا‌كارگر. «كارفرمايان بايد به كارگران مزد يكسان بپردازند، بدون توجه بـه اين امـر كـه آنان چقدر كار مي‌كنند!» در اين متن مطلبي وجود ندارد كه حاكي از اين امـر باشـد. منظـور عيسـي اين نيست كه تعليم دهد اين اصل بايد بطور كلي براي كار و صنعت به‌كار برده شود. اين امر منجر به بدبختي خواهد شد و بر خلاف كتاب‌مقدس است (دوم تسالونيكيان 3:10). برعكس، منظور عيسي اين است كه تعليم دهد قاعـده كلي «آخـرين، اول خواهـد شـد و اولين، آخـر» نشـان‌دهنده نحـوة رفتـار خـدا اسـت بـا انسانها! عيسي مي‌خواهد اين نگرش را محكوم كند كه مي‌كوشد از خدا در برابـر كـارِ انجام‌شـده پـاداش دريافت كند !
ب) تفسير جزئيات وابسته. خود عيسي اين مثل را به‌عنوان روشن ساختن قاعده كلي «اولين، آخرين و آخرين، اولين خواهد شد» شرح مي‌دهد! او قطعاً مراحل مختلف تاريخ كليسا را بيان «نمي‌كند»!

ج) صاحب‌خانه حق دارد هر كه را مي‌خواهد براي كار اجير نمايد و با مالَش آنچه مي‌خواهد بنمايد. اين حقيقت كه عيسي ملكوت خدا را با صـاحب‌خانه مقايسـه مي‌كنـد نشـان مي‌دهـد كـه او مسـتقيماً بـه اين حقيقت توجه مي‌كند كه خدا صاحب و مالك همه چيز و همه كس است و مقتدرانه سرنوشـت انسـانها را تعيين مي‌كند. حق حكمراني متعلق به خداست، نه به ما. نجات هدية مجاني است و نه محصـول سـعي و تلاش بشري (افسسيان 2: 8ـ9). اين قسمت جزو جزئيات مربوط است.

د) توافق با كارگران اوليه، منصفانه بود. در زمان عيسي مزد متعارف و قانوني روزانه براي سربازان و هم كارگران يك دينار بود. اين حقيقت كه صاحب ملـك بـا كـارگران سـاعت اول قـرارداد بسـت، يعـني قراردادي روزمزد، نشـان مي‌دهـد كـه اين كـارگران قطعـاً بـراي مـزد كـار مي‌كردنـد. هم كارفرمـا و هم كارگران اين را منصفانه تلقي كردند، چرا كه بر آن توافق كردند. اين جزو جزئيات مربوط است.

ه) ساعت سوم، ششم، نهم و يازدهم. در شرايط عادي كار، به‌كار گرفتن كارگران فقط براي يكساعت قبل از پايان روز، بسيار عجيب است. عيسي بطور قطع بـه اين جزئيـات معـاني خاصـي اطلاق

نمي‌كند و بنابراين آنها مربوط نمي‌باشند. آنچه آشكار است اين است كه صاحب ملك نه فقط به تاكستان خود، بلكه بطور خاص به كارگران بيكار نيز توجه داشت! آنچه مهم است، مدت زماني نيست كه آنان كار كردند؛ بلكه اينكه آنان كاري يافتند.

و) قول به كارگران آخري. صاحب ملك با كارگراني كه كارشان را بعد از شروع روز آغاز كردند، هيچ قراردادي نبست. او فقط به آنان قول داد كه حقشان را پرداخت خواهد كرد. اين جزء نيز مربوط است، براي اينكه صاحب ملك، بعداً مي‌گويد كه او حق دارد، هر كاري را كه با پولش مي‌خواهد، انجام دهد. همچنين اشاره به نكته اصلي يا پيام اصلي مثل مي‌كند، يعني اين نكته كه خدا در مورد كساني كه به كار مي‌گيرد و اينكه چگونه به آنان پاداش مي‌دهد، اختيار مطلق دارد.

ز) كلمات «وقتي شام رسيد» جزو جزئيات مربوط است. اين امر بر اساس متن (متي 19: 28)، اشاره به پايان دنيا دارد، وقتي كه مسيح براي داوري همه انسانها باز آيد. اين اشاره به نكته اساسي و پيام اصلي مثل دارد، يعني به آنچه كه در آن روز اتفاق خواهد افتاد.

ح) ناظر تاكستان. بعضي مفسران در دستور صاحب ملك به ناظر، اشاره‌اي نمادين به اين حقيقت مي‌بينند: «زيرا كه پدر بر هيچ كس داوري نمي‌كند بلكه تمام داوري را به پسر سپرده است» (يوحنا 5:21). اما چون ناظر از آيه 11ـ15 ديگر هيچ وظيفه‌اي ندارد، اين تفسير كه صاحب ملك به «پدر» و ناظر به «پسر» اشاره دارد، مورد ترديد است. بهتر است ناظر را شخصيتي بدانيم كه متعلق به اين داستان است، نه درسي كه مي‌بايد از آن فرا بگيريم. او فقط داستان را جالب‌تر و زنده‌تر مي‌سازد.

ط) شروع پرداخت مزد به كارگران آخري. اين نيز جزو جزئيات مربوط است، زيرا مسيح فرمود: «آخرين، اولين خواهد بود». اين ترتيب به كارگران اولي فرصتي مي‌دهد تا آنچه را كه صاحب ملك براي كارگران آخري در پايان روز انجام خواهد داد، ببينند.

ي) همه دقيقاً پاداش يكسان مي‌گيرند. وقتي به كارگران آخري يك دينار پرداخت گرديد، كارگران اولي انتظار داشتند كه بيش از آنچه كه بين خودشان و صاحب ملك توافق كرده بودند، بگيرند. اما كارگران اولي، به همان اندازة كارگران آخري دريافت كردند. آنان شروع به اعتراض و غرغر بر عليه صاحب ملك كردند. آنان نه تنها از آنچه خودشان دريافت كرده بودند ناخشنود بودند، بلكه همچنين به آنچه به ديگران داده شده بود، حسادت مي‌ورزيدند. دليل اصلي نارضايتي آنان، ديگران بودند، كه اگرچه آخرين، اما اولين شده بودند، و خودشان اگرچه اولين بودند، آخرين شده بودند! به هر حال، آنان فقط خودشان را براي روش نادرست خود مورد نكوهش قرار دادند؛ چرا كه آنان آنچه را كه با صاحب ملك قبل از شروع به توافق رسيده بودند، دريافت كردند. اين نشان داد كه آنان روحية «كار در مقابل مزد» را در سر داشتند و به همين دليل در شناخت حقوق صاحب ملك قاصر آمدند و ديگر اينكه حسود بودند. تنها يك پاداش به‌عنوان بخشش بزرگوارانه براي همه مسيحيان واقعي وجود دارد، يعني اينكه همگي آنان سهمي در ميراث ملكوت خدا خواهند داشت.

4- تشخيص پيام اصلي مثل

مقدمه: پيام اصلي مثل را مي‌توان يا در توضيح يا كاربرد مثل يافت، يا از خود داستان. از روشي كه خود عيسي براي توضيح يا كاربرد مثل به‌كار برد، مي‌توانيم پي ببريم كه مثل را چگونه بايد تفسير كنيم. هر مثل معمولاً فقط يك داستان اصلي يا يك نكتة اصلي دارد. بنابراين، نبايد در پي اين باشيم كه يك حقيقت روحاني از هر يك از جزئيات مثل بيابيم، بلكه بايد به‌دنبال درس اصلي مثل باشيم.

بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟

يادداشتها:

مَثَل كارگران تاكستان در 20:1ـ16 دربارة «پاداش در ملكوت خدا» تعليم مي‌دهد. پيام اصلي مَثَل به اين شرح است. خدا در مورد اشخاصي كه براي ملكوتش به‌كار مي‌گيرد و چگونگي پاداشي كه در روز داوري نهايي به آنان مي‌دهد، حق مطلق دارد، بنابراين مردم بايد از بودن در ميان اولين‌هايي كه آخرين مي‌شوند، اجتناب كنند. آنان بايد از دچار شدن به روحية كار در مقابل مزد در امور روحاني اجتناب نمايند. آنان نجات خود را به عنوان بخششي بزرگوارانه از خدا دريافت مي‌كنند، نه به‌عنوان چيزي كه خود كسب كرده‌اند!

«خدمت فداكارانه» يكي از ويژگيهاي بنيادين ملكوت خداست. شهروندان واقعي ملكوت خدا، بدون انتظار داشتن و تقاضا كردن پاداش، خدمت مي‌كنند. آنان از دچار شدن به روحية كار در مقابل مزد در امور روحاني اجتناب مي‌نمايند (متي 19:16 و 22و 27؛ 20:2 و 13). آنان موفق مي‌شوند حاكميت خدا را تشخيص دهند كه حق دارد رحمت خويش را آنطور كه دوست دارد تقسيم كند (متي 20:14ـ15 و 23). آنان اعتراف مي‌كنند كه خدا مقتدرانه مردم را فرا مي‌خواند و بطور مقتدرانه به آناني كه فرا خوانده است، پاداشي را كه مناسب مي‌داند، عطا مي‌نمايد! و بالاخره، شهروندان ملكوت خدا نسبت به اشخاصي كه بيش از آنچه آنان مي‌پنداشتند و يا برحق مي‌دانستند، از خدا پاداش دريافت مي‌كنند، حسادت نمي‌ورزند (متي 20:15 و 20ـ28). آنان متوجه هستند كه شناختن محبت مسيح و كار كردن در تاكستان يا ملكوت خدا امتياز بزرگي است!

5- مقايسة مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب‌مقدس
مقدمه: بعضي از مثل‌ها مشابه يكديگرند و قابل مقايسه مي‌باشند. اما حقيقت موجـود در تمـام مثل‌هـا بـا حقيقتي كه در ساير قسمت‌هاي كتاب‌مقدس تعليم داده شده، يا داراي تشابه است يـا تضـاد. سـعي كنيـد مهم‌ترين قسمت‌هاي قابل مقايسه را كه ما را در تفسير مثل ياري مي‌دهند، بيابيد. هميشه تفسير مثـل را با تعليم مستقيم و واضح كتاب‌مقدس محك بزنيد.
كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها را چگونه مي‌توان با تعليم موجود در مثلِ «كارگران تاكستان» مقايسه كرد؟

الف) حق مطلق خداست كه هر كسي را مي‌خواهد به خدمت خود فرا خواند.
قرائت: مرقس 13:34؛ اول قرنتيان 3:5ـ11.
يادداشتها: خداوند عيسي مسيح، خادمين خود را مسؤول خانه‌اش قرار داده است (يعني كليسا در سراسر دنيا يا ملكوت در شكل حاضرش) و براي هر خادمي وظيفه خاصي مقرر كرده اسـت (مـرقس 13:34). بنابراين هر مسيحي بايد به آنچه خداوند مي‌خواهد كه او در كليسا و در اين دنياي حاضر انجـام دهـد، آگـاه شود. زندگي او براي خداوند اهميت دارد و او نبايد شراكت خـود را در كـار خداونـد بي‌اهميت بشـمارد يـا مورد بي‌توجهي قرار دهد.
براي مثال، به خادم او پولس، وظيفة كشت بذر انجيل در قرنتس واگـذار گرديـد، و بـه خـادم او اپلس آبياري گياهان رشد كرده در همان كليسا. فقط خـدا رشـد واقعي را مي‌دهـد و خـادمين بايـد خودشـان را به‌عنوان كارگرانِ همكارِ خدا تلقي كنند (اول قرنتيان 3:5ـ11).

ب) حق مطلق خدا براي پاداش دادن به خادمينش، آنطور كه مي‌خواهد.
قرائت: اول قرنتيان 3:10ـ15؛ دوم تيموتاؤس 4:6ـ8؛ اول قرنتيان 9:24ـ27؛ لوقا 9:11ـ27.
يادداشتها: بعضي از خادمين يا همكاران خدا در انجام وظايف خـود بسـيار دقيـق هسـتند. كـار آنـان در روز داوري نهايي بوسيله آتش امتحان خواهد شد و اين آتش كيفيت كار آنان را آشـكار خواهـد سـاخت. وقـتي كار آنان از اين كوره آزمايش با موفقيت بيرون آمد، خدا به آنان پاداش خواهد داد. چگـونگي دادن پـاداش به آنان در اين قسمت بيان نشده است (اول قرنتيان 3:10ـ15).
در روز داوري نهايي هر مسيحي به‌عنوان خادم، تاج عدالت را دريافت خواهد كرد. خـدا آشـكارا اعلان خواهد نمود كه خادمش به‌واسطة ايمان به عمل نجـات‌بخش عيسـي مسـيح، كـاملاً عـادل شـمرده شـده است (دوم تيموتاؤس 4:6ـ8). و خدا عدالت كامل خـود را كـاملاً آشـكارا چـون تـاجي بـر سـر او خواهـد گذاشت و اين تاج براي هميشه باقي خواهد ماند (اول قرنتيان 9:24ـ27)! مثل قنطارهـا (لوقـا 19:11ــ 27، به ضميمه 2 نگاه كنيد) تعليم مي‌دهد كه پاداش خاص خدا، افزون بر تاج عدالت، بر اسـاس درجـات مختلف وفاداري و سعي و كوشش قرار دارد. درجات مختلـف پـاداش بـراي درجـات مختلـف وفـاداري و سعي و كوشش وجود دارد! به خادمي كه وفاداري و سعي و كوشش بيشتري كـرده، در ملكـوت خـدا در شكل نهايي آن يعني زمين جديد، مسؤوليت بزرگتري داده خواهد شد (ر.ش. اول قرنتيان 3:10ـ15).

ج) مسيحيان بايد از افتادن در دام نگرش كار در مقابل مزد اجتناب كنند.
قرائت. لوقا 17:7ـ10.
يادداشتها. به درس 39 نگاه كنيد. پيام اصلي مثل مي‌تواند چنين باشد: «مسيحيان بايد تلاش كنند تا خادمي ارزشمند باشند، شخصي كه بيش از وظيفه‌اش انجام مي‌دهد» . مسيحيان نبايد همچون يك غلام و بـرده، با بي‌ميلي فقط آن چيزي را انجام دهند كه به آنان گفته شده. آنان بايد با روحيه‌اي مشتاق، با كمـال ميل، با تمـام قلب و شـادماني بيش از آنچـه بـه آنـان گفتـه شـده، انجـام دهنـد. آنـان بـا روحي پـر از محبت و سپاسگزاري خدمت مي‌كنند. روحيه غلام‌مآبانه هيچ پيشرفتي در ملكوت خدا بدست نمي‌آورد.
همچنين پيام اصلي مثل مي‌تواند چنين باشد: «مسيحيان بايد خود را خادمين نالايقي بداننـد كـه كـاري جز انجام وظيفه نمي‌كنند» . مسيحيان نبايد با روح مغـرور خـدمت كننـد، بـا اين تفكـر كـه آنـان شايسـته تقدير، قدرداني يا پاداش براي انجام وظيفة مقررة خود مي‌باشند. آنان بايد خدمت را يك امتياز به‌حسـاب بياورند، بدون اينكه انتظار قدرداني براي اطاعتشان داشته باشند. آنان در يك روح فروتن خدمت مي‌كنند. روح مغرور هيچ پيشرفتي در ملكوت خدا نمي‌كند (اول پطرس 5:5ـ6).

6- خلاصة تعاليم اصلي مثل
بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم؛ او مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم؟
يادداشتها:

الف) همه مردم بايد بدانند خدا چگونه است. خدا بر اساس فيض و رحمت خويش به هر مسيحي در داوري نهايي پاداش خواهد داد. اما همه اين پاداشها به اين دليل داده نمي‌شود كه مسـيحيان لياقت آن را دارند يا آن را بدست آورده‌اند، بلكه بخاطر اينكه همه چيز بر اسـاس محبت و فيض خداسـت. بـر اسـاس افسسيان 2:10 حتي كارهايي كه مسيحيان انجام مي‌دهند، بر اساس فيض خداست.

ب) مسيحيان بايد بدانند چگونه بايد باشند. آنچه كه مهم است، خدمت كردن خدا با نگرش يا روحيه صحيح و نيز با وفاداري و سخت‌كوشي مي‌باشد.
شهروندان واقعي ملكوت خدا از درگير شدن در روحيه «كار در مقابل مزد» در امور روحاني اجتناب مي‌ورزند و در عوض تصديق مي‌كنند كه خدا حق مطلق دارد كه به افرادي كه فرا خوانده است، هر پاداشي را كه مناسب مي‌داند، عطا بفرمايد.

5 دعا (8 دقيقه)
دعاي واكنشي
در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.
يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)
براي جلسه بعد
(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه مثل «كارگران تاكستان» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از ارميا 32، 33، 36، 37 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- بخاطر سپردن: هر روز، مجموعه «منابع الهي 1-5» را مرور كنيد.
- آمادگي: مطالعة كتاب‌مقدس از روميان 13:1ـ14. از روش «پنج گام» استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.